

رابطه فضاهای بی‌دفاع شهری با افزایش جرایم شهری در شهر کرمانشاه

فردین منصوری^۱، حسن غنیمتی^۲، زینت نوفر^۳

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۰۱/۱۸
تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۰۳/۱۸

از صفحه ۱۳۵ تا ۱۶۲

پژوهشنامه جغرافیای انظامی
سال پنجم، شماره هجدهم، تابستان ۱۳۹۶

چکیده

پژوهش حاضر به بررسی رابطه فضاهای بی‌دفاع شهری با افزایش جرایم شهری در شهر کرمانشاه می‌پردازد. روش انجام پژوهش نیز ترکیبی - کمی و کیفی - می‌باشد. جمعیت آماری بخش کمی و پیمایشی را تمامی شهروندان ساکن در محله‌های دارای فضاهای بی‌دفاع در شهر کرمانشاه تشکیل می‌دهند. تعداد نمونه آماری، که از طریق فرمول کوکران به‌دست آمده است، ۲۰۰ نفر می‌باشد. همچنین، اطلاعات بخش کیفی از طریق مصاحبه‌های عمیق با کسبه اطراف فضاهای بی‌دفاع انجام شده است. برای انتخاب افراد نمونه از نمونه‌گیری هدفمند استفاده شده است و برای این منظور بر اساس ملاحظات نظری و تنوع در حوزه‌های کاری و مرتبط با موضوع افراد مورد مطالعه نمونه‌ها انتخاب شده‌اند که در نهایت به ۱۱ مصاحبه ختم شد. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد مؤلفه‌های مؤثر فضاهای بی‌دفاع شهری بر جرایم شهری برحسب میزان همبستگی عبارتند از: طراحی و معماری فضای شهری، فقدان دسترسی به خدمات شهری، میزان خوانایی فضای شهری، فقدان نظارت در فضای شهری و تراکم فعالیت در فضای شهری. همچنین، غیر از متغیر طراحی و معماری نامناسب فضای شهری، که با متغیر جرایم شهری رابطه معناداری ندارد، میان عامل‌های مختلف فضای بی‌دفاع شهری و جرایم شهری رابطه معناداری وجود دارد.

کلید واژه‌ها: فضا، بی‌دفاع، شهر، جرایم، کرمانشاه.

۱- دانشجوی دکتری سیاست‌گذاری فرهنگی، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه خوارزمی تهران (نویسنده مسئول).

۲- عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد قزوین.

۳- کارشناس ارشد پژوهش علوم اجتماعی دانشگاه شهید بهشتی.

بیان مسئله

ارتکاب جرم پدیده طبیعی هر اجتماعی است. از این رو، نباید علل آن را در امور استثنایی جستجو کرد بلکه علتها در جریانات کلی بنیادها و فرهنگهای هر جامعه وجود دارند. همچنین به دلیل این که ارتکاب جرم نتیجه کلی جامعه است بنابراین وجود جرایم و ارتباط آن با بنیادهای جامعه و تشکیلات کلی و اجتماعی امری دایمی است. در نتیجه، نمی توان جرایم را به طور مجرد و منفصل از سایر عوامل اجتماعی بررسی نمود بلکه باید آن را در مجموعه ای از تمامی عوامل فرهنگی و اجتماعی، چه از نظر زمانی و چه از نظر مکانی، مطالبه نمود. یکی از این عوامل اصلی در شکل گیری جرایم فضاهای بی دفاع شهری یا جرم خیز است. بسیاری از اندیشمندان جامعه شناس، روان شناس، مردم شناس و... در باب اهمیت اجتماعی فضاهای شهری تأکید کرده اند که این گونه فضاها موجب تسهیل روابط اجتماعی و پالایش ساخت اجتماعی می گردند، موجب گسترش حس اطمینان و اعتماد گردیده بر امنیت و کنترل اجتماعی می افزایند. کانون تمرکز اجتماع و محل بروز و ظهور رفتارهای اجتماعی ساکنان هستند. فرایند اجتماعی شدن افراد را تسهیل نموده، عرصه مهم اعمال و هنجارها و موازین اجتماعی هستند. میدانی برای شکل بخشیدن به انسان و میدانی برای برقراری ارتباط به شیوه نمادگرایانه هستند اما فضاهای بی دفاع یا جرم خیز سبب مستعد شدن فضاها برای جرایم می شوند و موجب نوعی اغتشاش و ناامنی در فضای شهری شده که این امر خود پیامدهای متعدد دیگری با خود به همراه دارد (پارسی، ۱۳۷۹: ۲).

پرفسور دوهل، استاد دانشگاه برکلی، در مطالعه ای که درباره تأثیر فضاهای شهری بر سلامت روانی ساکنین انجام داده است، شهر سالم را چنین تعریف می کند: شهر سالم محیط اجتماعی و کالبدی با چنان امکاناتی است که انجام کلیه فعالیت های زندگی را به سهولت و کارایی مطلوب امکان پذیر سازد (بحرینی، ۱۳۸۶: ۸۴).

مطالعه و تعمق در گزارش آسیب های اجتماعی و جرایم شهری نشان می دهد که فضاهای بی دفاع شهری در بروز آسیب های اجتماعی و جرایم شهری یکی از عوامل اساسی هستند. همچنین، فضاهای بی دفاع عامل مهمی در پایین آوردن کیفیت زندگی هستند. از سوی دیگر، باید این مسئله را مدنظر داشت که امنیت و آسودگی دو عامل

اساسی حیات بشری هستند چنان‌که لیتون در مدل خود، که برای درک محیط ساخته شده، نیازهایی اساسی انسان را شرح می‌دهد، امنیت را به‌عنوان نیاز اساسی انسان‌ها در نظر می‌گیرد و مازلو نیز در سلسله‌مراتب نیازها، که از قویترین تا ضعیف‌ترین را پیشنهاد کرده، بر نقش امنیت تأکید کرده است و آن را پس از نیازهای فیزیولوژیک در مرتبه دوم قرارداده و مهم‌ترین نقش محیط ساخته‌شده و فضاها را ایجاد سرپناه و امنیت عنوان کرده است (لنگ، ۱۳۸۳: ۹۶).

در سال‌های اخیر کلانشهر کرمانشاه دستخوش بی‌شکلی‌ها و نابسامانی‌های زیادی شده است. طبق آمار در شهر کرمانشاه بر اساس جرایم ثبت‌شده در سال ۱۳۹۰ حدود ۱۰۸ نقطه به‌عنوان فضاهای آلوده و جرم‌خیز وجود دارند که در این نقاط میزان جرایمی چون خشونت، قتل، دزدی و... بسیار زیاد و قابل توجه است. فضاهای بی‌دفاع در شهر کرمانشاه به‌علت رشد و گسترش فیزیکی و جمعیتی از یک‌سو و فرسودگی و تخریب مناطق قدیمی بسیار افزایش یافته است. از سویی دیگر، تلاش برای ایجاد و احیای فضاهای شهری در شهرهای کشور به‌خصوص در شهر کرمانشاه به‌عنوان یک کلانشهر، که مورد هجوم مهاجران و در نتیجه بی‌برنامگی در توسعه موزون شده است، تاکنون چندان رضایت‌بخش نبوده است (محسنی تبریزی و همکاران: ۱۳۹۰). این پژوهش به دنبال پاسخگویی به این پرسش است که فضاهای بی‌دفاع شهری چه نقشی در افزایش جرایم شهری در شهر کرمانشاه دارد؟

ضرورت و اهمیت پژوهش

از مهم‌ترین عوامل تأثیرگذار در بروز جرایم ویژگی‌های مکانی و تسهیلات محیطی مکان‌های وقوع بزهکاری است. شکل و نوع کاربری‌ها و رابطه بین توزیع آنها در سطح شهر در وقوع انواع جرایم تأثیر به‌سزایی دارد. از سوی دیگر، توزیع نامتعادل کاربری اراضی در سطح شهر سبب توزیع ناموزون جمعیت و فعالیت‌ها می‌شود و این موضوع در کاهش نظارت‌های اجتماعی و افزایش ناامنی و وقوع بزهکاری مؤثر است (قصری، ۱۳۸۹).

بی‌شک برخی مکان‌ها به‌دلیل ساختار کالبدی خاص و همچنین ویژگی‌های اجتماعی و اقتصادی ساکنان آن اماکن فرصت بیشتری برای وقوع جرایم دارند. در نقطه مقابل، برخی مکان‌ها مانع و بازدارنده فعالیت‌های مجرمانه و آسیب‌های اجتماعی

پژوهشنامه جغرافیای انتظامی (سال پنجم، شماره هجدهم، تابستان ۱۳۹۶)

هستند. همین امر باعث می‌شود تا افراد در انتخاب محل بزهکاری خود به دنبال کم‌خطرترین و مناسب‌ترین فرصت‌ها و شرایط مکانی برای ارتکاب عمل مجرمانه باشند (کلانتری و توکلی، ۱۳۸۶: ۷۶).

درواقع، وجود این فرصت‌ها و تسهیلات محیطی است که نوع و میزان جرایم را در سطح شهرها تعیین می‌کند. برنامه‌ریزان شهری می‌توانند با شناخت ویژگی‌ها و تسهیلات مکانی جرم و آسیب‌های اجتماعی در شهرها و با اعمال تغییرات در محیط و همچنین با برنامه‌ریزی و طراحی مناسب شهری به منظور سخت‌کردن شرایط محیطی ارتکاب به بزه نرخ جرایم و آسیب‌های اجتماعی را در سطح شهرها به حداقل برسانند. از گرایش‌های مهم برنامه‌ریزی شهری، که در این زمینه بسیار مؤثر و مفید واقع می‌شود، برنامه‌ریزی کاربری اراضی شهری است که چگونگی استفاده و توزیع اراضی و مکان‌های بهینه فعالیت‌ها و کاربری‌های مختلف را در سطح شهر مشخص می‌کند. درواقع، این موضوع عرصه و میدان عمل نوینی را برای پژوهشگران جرم‌شناسی، مراکز پلیس و تشکیلات قضایی به منظور کاهش نرخ آسیب‌های اجتماعی فراهم آورده است تا برای پیشگیری مکانی آسیب‌ها و جرایم اقدام کنند. نکته حائز اهمیت دیگر این است که این موضوع به مدیریت بهتر امور انتظامی در شهرها کمک می‌کند تا دست‌اندرکاران امنیت شهری و پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی با استفاده از این رویکرد و نتایج پژوهش‌های مرتبط بتوانند در اتخاذ راهبردهای مناسب پیشگیری از جرم و کاهش بزهکاری و آسیب‌های اجتماعی توفیق یابند (Rarcaliff, 2004: 1).

پیشینه پژوهش

در سال ۲۰۰۵ «چای پون چانگ»^۱ با استفاده از نظام اطلاعات جغرافیایی^۲ به تحلیل جرم در پردیس دانشگاه هنگ‌کنگ پرداخت. در این پژوهش با استفاده از نقشه‌های بزهکاری یک ابزار تحلیلی تهیه شد که توانایی کمک به مدیران و کارکنان امنیتی برای تجدیدنظر در دید سنتی‌شان را نسبت به جرایم پدید آورد (چای پون چانگ، ۲۰۰۵).

1- Chi pun chang.

2- GIS.

همچنین در سال ۲۰۰۴ «جری راتکلیف^۳» در مقاله‌اش فنونی را برای شناخت ترکیب فضایی و زمانی کانون‌های جرم‌خیز ارایه کرد و از روش‌هایی برای شناخت ۳ نوع تحلیل زمانی و مکانی کانون‌های جرم‌خیز استفاده کرد. این طبقه‌بندی در یک ماتریس نشان داده شد و مثال‌های واقعی از ویژگی‌های فضایی، زمانی ماتریس کانون‌های جرم‌خیز ارایه شد. نتایج این پژوهش به فرماندهان پلیس کمک کرد تا برای مقابله با بزهکاری و تعیین یک راهبرد مناسب برای پیشگیری از جرم اقدام کنند (راتکلیف، ۲۰۰۴).

در پژوهشی که توسط «سایدریس و همکاران^۴» در سال ۲۰۰۲ انجام شد ارتباط میان محیط فیزیکی و اجتماعی و جرم عبوری در امتداد خط‌آهن لس‌آنجلس و ایستگاه‌های آن نشان داده شد. این پژوهش ارتباط معناداری میان بروز بزهکاری و استقرار ایستگاه‌های خط‌آهن و ویژگی‌های فیزیکی-اجتماعی ایستگاه‌ها و مکان‌های مجاور آنها را تأیید کرد (سایدریس، ۲۰۰۲).

در میان پژوهش‌های داخلی نیز تحقیقی با عنوان فضاهای بی‌دفاع شهری و خشونت (مطالعه موردی: فضاهای بی‌دفاع شهر تهران) انجام شده است. این پژوهش را محسنی تبریزی در سال ۱۳۹۰ انجام داده است. در این پژوهش فضاهای مورد مطالعه بر اساس نوع خشونت و با توجه به اهداف پژوهش و امکان دسترسی و محدودیت زمانی و مکانی ۱۲ فضای شهری عمومی از میان ۱۰۸ فضای شهری عمومی آلوده یا جرم‌خیز تهران هستند. نتایج پژوهش نشان می‌دهد وجود روشنایی و نور مناسب و فقدان تراکم ساختمانی از ویژگی‌هایی هستند که فضاهای دارای کیف‌قاپی را از دیگر فضاها تفکیک می‌کنند. فقدان پیوند ارتباطی، فضاهای نمایان، وجود نقاط فرورفته و یا برآمده، داشتن مرز و محدوده مشخص و کم‌بودن ساختمان‌ها نیز از ویژگی‌های تفکیک کننده فضاهای دارای نزاع و درگیری از دیگر فضاها هستند. توالی و امتداد نیز از ویژگی‌های متمایزکننده فضاهای دارای مزاحمت از دیگر فضاها هستند (محسنی، ۱۳۹۰).

پژوهش دیگری با عنوان «بررسی تأثیر نوع و میزان کاربری اراضی شهری در شکل‌گیری الگوهای فضایی بزهکاری» (مطالعه موردی: جرایم مرتبط با مواد مخدر در

3- Jerry H. Ratchliffe.

4- Anastosia loukai tou, Robin liggett, Hiroyaki Hiseki.

پژوهشنامه جغرافیای انتظامی (سال پنجم، شماره هجدهم، تابستان ۱۳۹۶)

بخش مرکزی تهران» توسط محمد قصری در سال ۱۳۸۹ انجام شد. در این پژوهش نوع و میزان کاربری اراضی شهری در شکل‌گیری الگوهای فضایی بزهکاری مطالعه شده است. این پژوهش توسط ترکیبی از روش‌های توصیفی، تطبیقی و تحلیلی صورت گرفته است. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که یکی از مهم‌ترین مشکلات بخش مرکزی شهر تهران اجراشدن صحیح اصول و ضوابط برنامه‌ریزی کاربری اراضی شهری و فقدان توزیع متعادل کاربری‌ها در این بخش شهر است. این موضوع و دیگر مسائل کالبدی، اجتماعی در این بخش از شهر تهران باعث شده است در برخی کاربری‌ها به‌ویژه کاربری تجاری و خدماتی رخداد جرایم بسیار بیشتر از سایر کاربری‌ها باشد. تراکم بالای جمعیت و فعالیت‌ها و همچنین ازدحام و شلوغی جمعیت در طول روز در برخی کاربری‌های خاص و در خیابان‌های مجاور آنها سبب شکل‌گیری کانون‌های تمرکز بزهکاری در این مکان‌ها شده است. نتایج پژوهش نشان می‌دهد اقداماتی چون توانمندسازی ساخت‌وسازهای کالبدی و سازماندهی الگوهای کاربری اراضی در بخش مرکزی در کنار مدیریت بهینه فعالیت‌ها در بخش مرکزی تهران و در مجموع کاهش تنگناها و مشکلات کالبدی، اجتماعی و اقتصادی این بخش تأثیر به‌سزایی در کاهش بزهکاری در بخش مرکزی شهر تهران دارد (قصری: ۱۳۸۹).

مبانی نظری پژوهش

دیدگاه بوم‌شناسی شهری

از دیدگاه بوم‌شناختی در هر جامعه شهری مردم تمایل دارند در مجاورت گروهی زندگی کنند که از نظر منزلت اجتماعی سنخیت بیشتری با آنها داشته باشند. از این‌رو، محله‌های شهری از یکدیگر متمایز می‌شوند. گروه‌های کم‌درآمد در محله‌های عقب‌مانده زندگی می‌کنند. طبقات متوسط نیز مکان ویژه خود را دارند. پس، جامعه شهری از حوزه‌های اجتماعی متفاوت و پیچیده‌ای تشکیل می‌شود. خانواده‌های شهری به هر طبقه‌ای تعلق داشته باشند به هنگام انتخاب محله مسکونی خود تحت تأثیر ۴ عامل مهم قرار می‌گیرند:

- میزان درآمد؛

- پایگاه اجتماعی؛

- ساخت خانواده‌ها؛

- علاقه به جابجایی (افروغ، ۱۳۷۷: ۱۲۹).

وجود عوامل فوق باعث جدایی‌گزینی افراد می‌شود و درواقع، جدایی‌گزینی اکولوژیکی از این واقعیت سرچشمه می‌گیرد که ساکنان شهرها از نظر درآمد، مذهب، نژاد و پایگاه اجتماعی- اقتصادی به رسته‌ها و گروه‌های گوناگون تقسیم می‌شوند. از این‌رو، در انتخاب محله مسکونی همواره رقابت‌هایی میان گروه‌های شهری در جریان است و گروهی برنده می‌شوند که از قدرت و درآمد بیشتری بهره‌مند باشد. رقابت‌های گروهی به جدایی‌گزینی اکولوژیکی و جدایی‌گزینی مکانی یا فاصله مکانی منجر می‌شود که درنهایت به جدایی‌گزینی اجتماعی در شهرها می‌انجامد بدین‌سان که اقشار و گروه‌های ویژه شهری با زندگی در محدوده‌ای معین و عدم تماس با سایر اقشار شهری به‌سبب حاکمیت فاصله طبقاتی میان خانواده‌های شهری شهر را به قطعاتی تقسیم می‌کنند که هر قطعه با قطعه دیگر به‌علت فاصله فیزیکی و فاصله اجتماعی جدا شده است (شکویی، ۱۳۷۲: ۳۰). بنابراین، مطابق دیدگاه اکولوژیک شهر یک ارگانیزم اجتماعی است که در چارچوب فرایند اکولوژیک عمل می‌کند و یا به عبارتی شهر یک اجتماع اکولوژیک است (همان: ۱۳۰).

بوم‌شناسی تطبیقی و آسیب‌های اجتماعی

عنوان اکولوژی تطبیقی در سال ۱۹۶۵ به‌وسیله «اف.ال سوتیزر» به‌عنوان مدلی برای آگاهی از مباحث بوم‌شناختی به‌کار گرفته شد. هدف اکولوژی تطبیقی آگاهی از تفاوت‌های اکولوژی محلات شهری بود. مراد از بوم‌شناختی تطبیقی به‌کارگیری اصول و شاخص‌هایی است که در شناخت زندگی مردم در محلات مختلف شهری می‌تواند پژوهشگران را یاری دهد. کیفیت مطالعه در بوم‌شناختی تطبیقی تأکید بر تجزیه و تحلیل جمعیت، ویژگی‌های اجتماعی، اقتصادی و اطلاعات مربوط به واحدهای مسکونی در یک محله و یک بلوک در یک منطقه شهری و مناطق داخلی شهرها است. از طرفی، بوم‌شناختی تطبیقی دگرگونی عوامل و شرایط گوناگون محله‌ای و پایگاه‌های اجتماعی- اقتصادی خانواده‌ها را در یک دوره زمانی مورد مطالعه قرار می‌دهد (کریم‌الدینی، ۱۳۹۰: ۱۱۰).

پژوهشنامه جغرافیای انتظامی (سال پنجم، شماره هجدهم، تابستان ۱۳۹۶)

تأکید بر این اطلاعات به این دلیل است که این شاخص‌ها می‌تواند مشخصات مناطق مسکونی را به‌عنوان حوزه‌های اجتماعی شهرها تعیین کند. شاخص‌های مربوط به منزلت اجتماعی و پایگاه اقتصادی خانواده‌ها با طبقه‌بندی نیروی کار به‌نسبت تخصص، سطح تحصیلات، میزان درآمد و بالأخره ارزش واحدهای مسکونی مشخص می‌شود. خانواده‌ها با دارا بودن مشاغل تخصصی، تحصیلات و درآمد بیشتر زندگی در خانه‌های گران‌قیمت و محلات سالم را ترجیح می‌دهند. کارگران کارهای دستی و بدنی، صاحبان تحصیلات پایین‌تر و درآمد کمتر از روی ناچاری به خانه‌های ارزان‌قیمت محلات پناه می‌برند. عوامل دیگری نیز در اکولوژی تطبیقی اساس کار قرار می‌گیرد که تفاوت‌های موجود میان خانواده‌ها را در محلات و مناطق مختلف شهری مشخص می‌کند. این تفاوت‌یابی در شاخص‌های مربوط به نسبت باروری تعداد مجردان، نسبت زنان در نیروی کار، میزان زنان بیوه، نسبت به مالکیت خانه، جوانی جمعیت و نسبت متأهلان در سنین جوانی به‌عنوان پایگاه خانوادگی مورد بررسی قرار می‌گیرد. از نظر سکونت در مناطق مختلف شهری، بخش‌های قدیمی شهرها جمعیت سالخورده‌ای دارند. بخش‌های نوساز بیشتر به گروه سنی جوان و میانسال تعلق دارد (شکویی، ۱۳۷۲: ۸۹).

در مطالعه بوم‌شناختی تطبیقی از داخل شهرها، که بیشتر روی پایگاه‌های اجتماعی-اقتصادی، جمعیتی، مشخصات قومی، نژادی، مذهبی و زبانی مناطق و محلات شهری تأکید می‌شود، همواره آسیب‌شناسی اجتماعی فراموش می‌گردد زیرا تاکنون اطلاعات مربوط به آسیب‌شناسی اجتماعی در سرشماری‌ها، بررسی‌ها و تحقیقات شهری گنجانده نشده است و تنها در سال‌های اخیر است که با توجه به اهمیت‌یابی آسیب‌شناسی اجتماعی در مطالعات بررسی موارد زیر به اکولوژی تطبیقی افزوده شده است. الکلیسم، قتل، ناهنجاری‌های روانی، بی‌ثباتی پایگاه ازدواج، مرگ‌ومیر، بزهکاری جوانان، شیذوفرنی، جرم و جنایت، گناه و فساد، تخریب، کینه‌ورزی با علم و فرهنگ، انحرافات اجتماعی، حمله و دستبرد. افزایش بحران در شهرهای غربی و جهان سوم اکولوژیست‌ها را در بررسی چندین موضوع مضمّن تر ساخته شده است که عبارتند از فقر، جرم و جنایت، اعتیاد به موادمخدر و ناآرامی‌های اجتماعی آنها در مطالعه آسیب‌های اجتماعی اغلب به این نتیجه رسیده‌اند که عامل «فقر» بیش از سایر عوامل در پیدایش و تشدید مسائل اجتماعی در شهرها مؤثر است. از این‌رو، در زمینه‌های شناخت مناطق

فقیر شهری معیارهایی نظیر درآمد، خانواده، تعداد مردان غیرماهر در نیروی کار، میزان تحصیلات، میزان واحدهای مسکونی مخروبه و غیربهداشتی به کار گرفته می‌شود (اسمیت، ۱۹۷۳: ۴۴).

جرایم و تراکم جمعیت شهری

مطابق این نظریه افزایش و جنایت رابطه مستقیمی با افزایش تراکم جمعیت دارد. در سال ۱۹۶۸ انگلز در بررسی جرایم خیابانی کالیفرنیا ارتباط بین جرم و تراکم جمعیت را اثبات نمود. وی همچنین معتقد به وجود افزایش جرم و تراکم فعالیت‌ها در خیابان‌های شهر شد (کلانتری، ۱۳۸۰: ۸۰). تراکم جمعیت معمولاً پیامدهای مختلفی به دنبال دارد.

- احتمال تجاوز: نزدیک شدن بیش از حد دیگران به فرد یا گروه یا وارد شدن به قلمرو آنها بدون کسب اجازه از آنها؛
- احتمال مداخله اجتماعی: سد شدن راه دستیابی به منابع.

سابقه مطالعات پیرامون تأثیر تراکم در رفتارهای ناهنجار اجتماعی به دهه ۱۹۳۰ میلادی بازمی‌گردد که بیشتر این مطالعات در دو حوزه جامعه‌شناسی و روان‌شناسی صورت گرفته است. برخی از تحقیقات فوق نشان داده است که میزان جنایت در محله‌های فقیرنشین و پرجمعیت نواحی مرکزی شهرها بیشتر است و به عکس در محله‌های مرفه‌نشین و حومه‌های کم‌جمعیت نرخ بزهکاری پایین‌تر است. همچنین، بررسی‌ها نشان می‌دهد بین تراکم جمعیت و بزهکاری و نوجوانان و جنایات بزرگسالان همبستگی زیادی وجود دارد. از سوی دیگر، بین بیماری‌های روانی و تراکم جمعیت نیز رابطه مستقیم وجود دارد. تحقیقات نشان می‌دهد که تراکم جمعیت در افزایش میزان خودکشی‌ها نیز تأثیرگذار است (کلانتری، ۱۳۸۷: ۱۸).

شایان ذکر است برخلاف پژوهش‌های فوق نمی‌توان به‌طور قطعی گفت که در تمام موارد تراکم و ازدحام باعث نابسامانی‌های اجتماعی است چراکه تراکم تنها متغیری نیست که باعث تمایز حومه از مراکز شهر می‌شود. عواملی چون میزان برخورداری از سلامت جسمی ساکنان، وضع اقتصادی، میزان تحصیلات، آموزش و پرورش آنها، نوع کارکردها، فعالیت‌ها و کاربری‌های یک محدوده جغرافیایی و میزان مراجعه غیربومی به

پژوهشنامه جغرافیای انتظامی (سال پنجم، شماره هجدهم، تابستان ۱۳۹۶)

آنجا از این جمله است. اشکال دیگر برخورد ثابت و یکسان پژوهشگران با مبحث تراکم است چراکه در همه پژوهش‌ها به‌طور معمول تعداد افراد به واحد سطح سنجیده شده است (تراکم در سطح کلان) و مهم‌تر این‌که در این پژوهش‌ها تنها پیامدهای اجتماعی دیده شده است و فرایندهای اجتماعی حاصل این تراکم رایج در تراکم کم یا زیاد بررسی نشده است. به همین دلیل در پژوهش‌های جدید بر فرایندهای اجتماعی بیش‌از پیامدهای اجتماعی و ازدحام تأکید می‌شود.

طراحی محیطی و پیشگیری از جرم

در سال ۱۹۶۹ «جفری» اولین کسی بود که نظریه پیشگیری از جرم از طریق طراحی محیطی را مطرح کرد. به نظر او جامعه‌شناسان به میزان قابل‌توجهی در عوامل اجتماعی مؤثر بر جرم از قبیل محرومیت، تأثیرات فرهنگی، خانواده و... اغراق کرده‌اند و به عوامل بیولوژیکی و محیطی توجهی نکرده‌اند. او بر فرصت‌هایی که محیط در اختیار مجرمان قرار می‌دهد تأکید داشت و جرایم گوناگون را ناشی از این فرصت‌های محیطی می‌دانست.

به نظر جاکوبز دیدگاه "CPTED" بهترین ابزار برای کاهش محیطی بزهکاری است. این دیدگاه به پیشگیری از جرم از طریق طراحی و برنامه‌ریزی مناسب محیط تأکید می‌نماید که می‌تواند منجر به کاهش فرصت‌های وقوع جرم و بهبود زندگی مردم شود. منطق «دیدگاه از طریق برنامه‌ریزی و مدیریت محیط فیزیکی و کنترل کاربری‌های اراضی از قبیل مناطق تجاری، مسکونی، معابر عمومی و نیز طراحی فضاهای شهری می‌توان به امنیت و سلامت عمومی جامعه کمک نمود. به نظر «جفری» مراقبت‌های شهروندان از طریق ساختارها و فضاهای شهری عاملی مهم در کنترل جرایم شهری است. این دیدگاه می‌کوشد که از نظارت طبیعی شهروندان به‌عنوان عامل بازدارنده فعالیت‌های غیرقانونی همراه با طراحی محدوده‌های شهری بهره‌گیرد. «جاکوبز» نقش برجسته‌ای در شکل‌گیری و توسعه این دیدگاه داشته است. مهم‌ترین اصول حاکم بر این دیدگاه برای طراحی محیط با هدف پیشگیری از ارتکاب بزهکاری به شرح زیر قابل تفکیک است» (BENNETT, 1986, 41).

الف) قلمروگرایی: قلمروگرایی مفهومی است که فضای خصوصی را از فضای نیمه‌خصوصی تفکیک می‌کند و احساس مالکیت ایجاد می‌نماید. مردم معمولاً نسبت به

اموال و املاک خود احساس تعلق و مالکیت دارند و از آنها محافظت می‌کنند و مدیریت مناسب فضا و ایجاد موانعی برای تعیین مالکیت‌های خصوصی (منازل شخصی) و نیمه‌خصوصی (محل‌های مسکونی) می‌توان از وقوع جرایم جلوگیری کرد؛

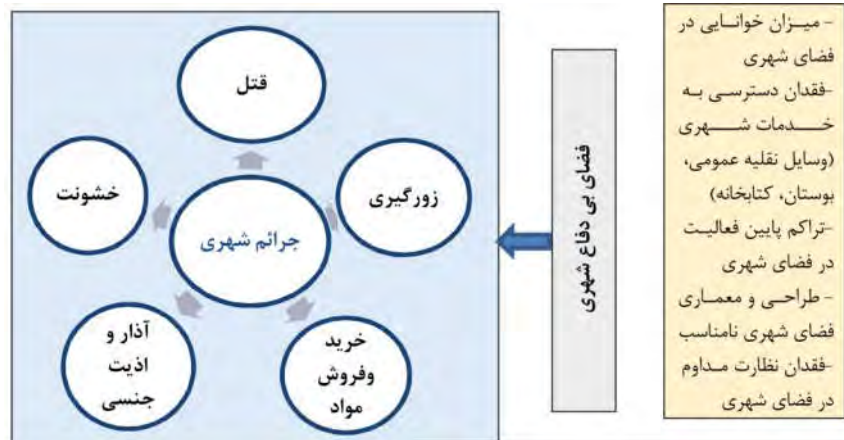
ب) کنترل دسترسی‌ها به کنترل ورودی‌ها و خروجی‌های ساختمان‌ها و معابر و مراکز تفریحی و محل‌های مسکونی، کاهش قابلیت دسترسی طبیعی و افزایش نظارت طبیعی به منظور محدود کردن ورود بزهکاران منجر به کاهش جرایم می‌شود؛

ج) فعالیت‌های حمایت‌کننده: طراحی مناسب فضاهای شهری و برنامه‌ریزی برای ایجاد و کاربری‌های مناسب در سطح شهر باعث ترغیب مردم به استفاده از فضاهای عمومی می‌شود و حضور زیاد مردم در این فضا باعث بالارفتن نظارت طبیعی شهروندان شده و در نتیجه از میزان جرایم کاسته می‌شود (BENNETT, 1986: 52).

فرضیه‌های پژوهش

- ۱- بین میزان خوانایی فضای شهری و وقوع جرایم شهری رابطه وجود دارد؛
- ۲- بین فقدان دسترسی به خدمات شهری (وسایل نقلیه عمومی، بوستان، کتابخانه) و وقوع جرایم شهری رابطه وجود دارد؛
- ۳- بین تراکم پایین فعالیت در فضای شهری و وقوع جرایم شهری رابطه وجود دارد؛
- ۴- بین طراحی و معماری فضای شهری نامناسب و وقوع جرایم شهری رابطه وجود دارد؛
- ۵- بین فقدان نظارت مداوم در فضاهای شهری و وقوع جرایم شهری رابطه وجود دارد.

پژوهشنامه جغرافیای انتظامی (سال پنجم، شماره هجدهم، تابستان ۱۳۹۶)



نمودار(۱): مدل تحلیلی پژوهش

روش تحقیق

پژوهش حاضر از نظر مسیر توصیفی و از نظر هدف کاربردی است. روش مورد استفاده برای گردآوری اطلاعات نیز میدانی و اسنادی است. در بخش اسنادی مدارک و اطلاعات موجود در خصوص موضوع گردآوری شده و در بخش میدانی نیز پیمایشی از نمونه مورد مطالعه (شهروندان شهر کرمانشاه) انجام شده است. جمعیت آماری پیمایش را تمامی شهروندان ساکن در محله‌های دارای فضاهای بی‌دفاع در شهر کرمانشاه تشکیل می‌دهند. از آنجا که آمار دقیقی از تعداد در دست نبود به فرض در دسترس نبودن جمعیت آماری نمونه پژوهش بر اساس فرمول کوکران به شیوه زیر به دست آمد.

$$n = \frac{Nz^2pq}{Nd^2 + Z^2Pq} = 200$$

ضریب اطمینان: ۹۵٪ Z: ۱,۹۶ p=q: ۰/۵ d: ۰/۵

$$n = \frac{341652 \cdot 1.96^2 \cdot 0.05^2}{341652 \cdot 0.05^2 + 1.96^2 \cdot 0.05^2} = 200$$

بنابراین، نمونه مناسب ۲۰۰ نفر است و از طریق پرسشنامه اجرا می‌شود. در پژوهش حاضر برای این‌که نمونه انتخابی از تمام محله‌های مربوطه انتخاب شود و

پرسشنامه نیز در تمام قسمت‌ها توزیع شود از شیوه نمونه‌گیری خوشه‌ای و سیستماتیک استفاده شد. همچنین، بخشی از اطلاعات پژوهش حاضر از طریق مصاحبه‌های عمیق با کسبه اطراف فضاهای بی‌دفاع انجام شد. برای انتخاب افراد نمونه از نمونه‌گیری هدفمند استفاده شد. برای این منظور بر اساس ملاحظات نظری و تنوع در حوزه‌های کاری و مرتبط با موضوع افراد مورد مطالعه نمونه‌ها انتخاب شده‌اند. البته باید بیان کرد که نمونه‌ها به تمامی از پیش تعیین شده نبودند و انتخاب به صورت تدریجی با پیشروی در فرایند گردآوری داده‌ها انجام می‌شد. تعداد مصاحبه‌ها نیز بر اساس منطق روش‌های کیفی بستگی به اشباع نظری داشت و تا زمانی که یافته‌ها تکراری نشد ادامه داده شد که در نهایت به ۱۱ مصاحبه ختم شد. همچنین، در پژوهش حاضر به منظور تحلیل داده‌ها از ۳ مرحله کدگذاری باز، محوری و گزینشی استفاده شد به این معنی که ابتدا داده‌ها در یک نظم و پیوستار قرار داده شده. سپس، به جداکردن بخش‌ها و پاراگراف‌ها پرداخته شد و کدگذاری داده انجام و پس از آن به دسته‌بندی مضامین و در نهایت به مقوله‌بندی پرداخته شد.

تعریف مفاهیم و متغیرهای پژوهش

فضای بی‌دفاع شهری

فضاهای بی‌دفاع شهری از جمله فضاهایی هستند که به دلیل ویژگی‌های کالبدی و اجتماعی فرصت بزهکاری و خشونت در آنها بالا بوده و شهروندان نیز تمایل چندانی برای استفاده از چنین فضاهایی ندارند. این فضاها محصول تعامل پیچیده‌ای هستند که فقدان موانع نمادین و واقعی و امکانات نظارتی موجب شده میزان جرایم و آسیب‌های اجتماعی در آنها قابل توجه باشد (قلیچ و عماری، ۱۳۹۲: ۲۰).

خوانایی فضای شهری

وضع و شفافیتی که با آن هر فضا به دیگر فضاهای شهری مرتبط می‌شود و به ما در درک شکل شهر کمک کرده و احساس گم‌شدن در فضا را از بین می‌برد (فیروزیان، ۱۳۸۷).

- علایم نوشتاری تابلوها و علایم راهنما در محله به صورت واضح نصب شده است که در پیدا کردن آسان مسیرها و گم نشدن به شهروندان کمک می‌کند؛

پژوهشنامه جغرافیای انتظامی (سال پنجم، شماره هجدهم، تابستان ۱۳۹۶)

- محله ما دارای مکان‌های شاخص و مطرحی است که موجب افزایش سرشناسی آن محله می‌شود؛
- وجود نداشتن تیرهای چراغ برق و نبود روشنایی مناسب در بعضی نقاط محله نوعی ترس و ناامنی را در میان ساکنان به وجود آورده است؛
- بعضی کوچه‌های محله سراسر نبوده و به علت وجود پیچ‌وخم‌های زیاد احساس ناامنی در ساکنان ایجاد می‌شود.

دسترسی به خدمات شهری

دسترسی به خدمات شهری را می‌توان برحسب عناصری که دسترسی به آنها برقرار می‌شود و این که چه کسی هزینه آن را تحمل می‌کند دسته‌بندی نمود. دسترسی به خویشاوندان، دوستان و آشنایان، دسترسی به فعالیت‌های انسانی معینی نظیر خدمات مالی، پزشکی، تفریحی و آموزشی، دسترسی به کالاها و منابع خاص نظیر مواد غذایی، آب و انرژی، دسترسی به اماکن نظیر دسترسی به سرپناه، فضای باز، اماکن نمادی و دسترسی به اطلاعات (لینچ، ۱۳۷۶: ۲۴۲). در تعریف عملیاتی متغیر فوق با گویه‌های زیر سنجیده شده و از پاسخگویان خواسته شده که در قالب طیف ۵ گویه‌ای موافقت خود را با هر کدام بیان کنند:

- وجود مغازه‌های زیاد در محل زندگی موجب احساس امنیت برای شهروندان می‌شود؛
- وجود ایستگاه‌های حمل‌ونقل عمومی و در دسترس موجب افزایش امنیت و کاهش جرم می‌شود؛
- وجود اماکن فرهنگی و اجتماعی در محله‌ها باعث ارتقای سطح فرهنگی و کاهش جرم می‌شود؛
- وجود اماکن تفریحی و ورزشی در محله‌ها موجب سالم‌سازی افراد می‌شود.

تراکم فعالیت در فضا

منظور ایجاد برخی فعالیت‌های اجتماعی در مناطق شهری است که علاوه بر اشتغال-زایی و ایجاد تسهیلات رفاهی بتوان از طریق آنها میزان نظارت انسانی را بر مناطق افزایش داد (قلیچ و عماری، ۱۳۹۲: ۳۹).

متغیر فوق در تعریف عملیاتی با گویه‌های زیر سنجیده شده است:

- وجود شلوغی و رفت‌وآمد در محله‌های شهری موجب کاهش جرایم می‌شود؛
- محله ما در هنگام تاریکی هوا به‌علت خلوتی زیاد باعث کاهش رفت‌وآمد و ایجاد ترس می‌شود؛
- به‌علت وجود فضاها و زمین‌های خالی زیاد در محله جرم زیاد شده است.

معماری فضای شهری

معماری پدیده‌ای است فضایی که توسط معماران با در نظر گرفتن طول و عرض و ارتفاع و حرکت و زندگی است که دارای یک ایده (کانسپت) می‌باشد. معمار موضوع را با ایده و نوآوری خود می‌آفریند (قلیچ و عماری، ۱۳۹۲: ۴۰). متغیر فوق در تعریف عملیاتی با گویه‌های زیر سنجیده شده است:

- وجود و ساخت پل‌های بزرگ بدون امکانات روشنایی تبدیل به پاتوقی برای خلافکاران شده است؛
- طراحی بوستان‌ها و فضاهای شهری به‌صورت پراکنده و بدون امکانات فرهنگی و رفاهی موجب رشد معتادان و خلافکاران می‌شود؛
- وجود بافت‌ها و ساختمان‌های پرپیچ و خم محلی برای رشد جرایم شهری است؛
- فقدان طراحی اماکن و سرپناه برای افراد بی‌خانمان موجب رشد جرایم در تمام شهر می‌شود؛
- وجود جنگل‌کاری کنار خیابان‌ها و بزرگراه‌ها موجب رشد جرایم شهری می‌شود.

نظارت مداوم فضای شهری

نظارت به معنای توانمندسازی محیط شهری از طریق در معرض دید قرار گرفتن و آسانی نظارت است که امکان نظارت ساکنان و شهروندان یا سازمان‌های انتظامی و امنیتی را بر مناطق شهری فراهم می‌کند (نایی و همکاران، ۱۳۹۰). متغیر فوق در تعریف عملیاتی با گویه‌های زیر سنجیده شده است و از پاسخگویان خواسته شده که در قالب طیف ۵ گویه‌ای موافقت خود را با هر کدام بیان کنند:

- وجود اماکن انتظامی و گشت پلیس موجب امنیت در اماکن شهری می‌شود؛
- وجود فضای پیاده‌روی در معابر موجب حضور زیاد مردم و افزایش امنیت و کاهش جرایم می‌شود؛
- وجود بازارهای کوچک محلی موجب حضور و نظارت زیاد مردم و کاهش جرایم می‌شود.

جرم

جرم یک تعریف جامع و کامل در تمام دنیا ندارد و هنجارهای اجتماعی جامعه تأثیر انکارناپذیری در مفهوم جرم دارند. هرچند که تعریف عمومی جرم این است که «هر فعل یا ترک فعلی که در قانون برای آن مجازات تعیین شده باشد» یا «هر فعل یا ترک فعلی که به جامعه و دیگران ضرر و زبانی وارد کند و دولت موظف به پیشگیری از آن می‌باشد» (حسینی‌نژاد، ۱۳۸۴). در تعریف عملیاتی، متغیر فوق با گویه‌های زیر سنجیده شده است:

- در محله ما هربار خبر کشته‌شدن و قتل به گوشمان می‌رسد؛
- به خاطر زورگیری‌های زیاد در محله فضای ناامنی بر زندگی ما حاکم شده است؛
- محله ما به پاتوقی برای خرید و روش موادمخدر تبدیل شده است؛
- در ماه اخیر چند مورد آزار و اذیت جنسی در محله ما گزارش شده است.

یافته‌های پژوهش

توصیف یافته‌ها

در این قسمت ابتدا ویژگی‌های جمعیتی نمونه توصیف می‌شود. باتوجه‌به داده‌های گردآوری شده از بین ۲۰۰ پاسخگو، ۵۵٪ زن و ۴۵٪ مرد بوده‌اند. بنابراین، بیشترین تعداد پاسخگویان را زنان تشکیل داده‌اند. همچنین، بزرگ‌ترین گروه سنی پاسخگو افراد ۲۴ تا ۳۴ ساله با ۳۲٪ فراوانی و گروه سنی ۵۴ تا ۶۴ با ۳,۵٪ کم‌ترین فراوانی را داشته است. بیش از نیمی از پاسخگویان (۵۰,۵٪) کمتر از ۳۴ سال دارند.

تبیین یافته‌ها

برای تعیین نرمال بودن توزیع از آزمون S. استفاده شده است. نتایج آزمون در جدول زیر آمده است.

جدول (۱): آزمون کلموگروف-اسمیرنف

نام متغیر	آماره	عدد معناداری
میزان جرایم شهری	۳/۵۱۷	۰/۰۰۰
میزان خوانایی فضای شهری	۲/۹۸۵	۰/۰۰۰
دسترسی به خدمات شهری	۳/۰۸۴	۰/۰۰۰
تراکم پایین فعالیت در فضای شهری	۲/۳۶۹	۰/۰۰۰
طراحی و معماری فضای شهری	۱/۷۳۸	۰/۰۰۵
فقدان نظارت مداوم در فضاهای شهری	۲/۱۶۴	۰/۰۰۰

فرض صفر: توزیع نمرات در شاخص‌ها نرمال است.

از آنجا که تعداد نمونه در این پژوهش بیشتر از ۵۰ مورد است از آماره کلموگروف-اسمیرنوف استفاده شد. باتوجه‌به جدول می‌توان گفت از آنجا که عدد معناداری برای تمام متغیرها بالاتر از آستانه ۰/۰۵ است فرض صفر رد می‌شود و توزیع نمرات در این شاخص‌ها نرمال نیست. بنابراین، باید از آمار استنباطی ناپارامتریک استفاده کرد.

آزمون فرضیه‌ها

برای آزمودن فرضیه‌های پژوهش باتوجه به تعداد و نوع متغیرهای پیش‌بین یعنی متغیرهای فضای بی‌دفاع شهری از ضریب همبستگی اسپیرمن استفاده شد. شرح تفصیلی آزمون فرضیه‌ها در جدول زیر ارائه شده است.

جدول (۲): ضریب همبستگی اسپیرمن بین فضای بی‌دفاع شهری و جرایم شهری

نتیجه	Sig	ضریب همبستگی (r)	فرضیه
تأیید	.۰۱۶	.۰۳۳۲	فرضیه ۱. میزان خوانایی فضای شهری با وقوع جرایم شهری رابطه دارد
تأیید	.۰۰۰۰	.۰۳۵۱	فرضیه ۲. فقدان دسترسی به خدمات شهری (وسایل نقلیه عمومی، بوستان، کتابخانه) با وقوع جرایم شهری رابطه دارد
عدم تأیید	.۴۰۸	.۰۴۰۰	فرضیه ۳. طراحی و معماری نامناسب فضای شهری با وقوع جرایم شهری رابطه دارد
تأیید	.۰۳۷	.۰۸۶	فرضیه ۴. تراکم پایین فعالیت در فضای شهری با وقوع جرایم شهری رابطه دارد
تأیید	.۰۰۴	.۰۲۱۹	فرضیه ۵. فقدان نظارت مداوم در فضاهای شهری با وقوع جرایم شهری رابطه دارد

همان‌گونه که در جدول فوق ملاحظه می‌شود عوامل مؤثر بر جرایم شهری برحسب میزان همبستگی عبارتند از: طراحی و معماری فضای شهری، فقدان دسترسی به خدمات شهری، میزان خوانایی فضای شهری، فقدان نظارت در فضای شهری و تراکم فعالیت در فضای شهری. همچنین، همان‌گونه که در جدول نمایان است به جز طراحی و معماری نامناسب فضای شهری میان عامل‌های مختلف فضای بی‌دفاع شهری و جرایم شهری رابطه معناداری وجود دارد.

جدول زیر نتایج ضرایب رگرسیونی را برای پیش‌بینی متغیر جرایم شهری براساس مؤلفه‌های متغیر فضاهای بی‌دفاع نشان می‌دهد.

جدول (۳): ضرایب رگرسیونی پیش‌بینی متغیر جرایم شهری بر اساس مؤلفه‌های متغیر فضاهای

بی‌دفاع شهری				
مؤلفه‌ها	B	β	t	سطح معناداری
میزان خوانایی فضای شهری	۱/۲۱	۰/۲۰	۵/۸۴	۰/۰۰۱
فقدان دسترسی به خدمات شهری	۳/۳۳	۰/۳۰	۱۰/۹۰	۰/۰۰۱
معماری و طراحی نامناسب فضای شهری	۰/۲۳	۰/۲۶	۰/۸۹	۰/۳۷
تراکم پایین فعالیت در فضای شهری	۰/۸۴	۰/۲۷	۳/۱۳	۰/۰۲
فقدان نظارت مداوم در فضای شهری	۰/۷۰	۰/۱۲	۵/۵۰	۰/۰۰۱

فضای بی‌دفاع شهری

نتایج تحلیل رگرسیونی نشان داد مؤلفه‌های میزان خوانایی فضای شهری، فقدان دسترسی به خدمات شهری، تراکم پایین فعالیت در فضای شهری و فقدان نظارت مداوم در فضای شهری به ترتیب با ضرایب بتای ۰/۲۵، ۰/۴۸، ۰/۱۲، ۰/۲۳ توان پیش‌بینی جرایم شهری را دارند اما مؤلفه معماری و طراحی نامناسب فضای شهری توان پیش‌بینی متغیر جرایم شهری را ندارد.

یافته‌های کیفی (مصاحبه‌ها)

در این قسمت به بررسی مصاحبه‌های انجام‌شده با کسبه اطراف فضاهای بی‌دفاع پرداخته شده است.

جدول (۴): نتایج مصاحبه‌های انجام‌شده

مضمون	مصاحبه‌شونده	سن	نقل قول
خوانایی فضای شهری	مرد	۳۲	بعضی از خیابان‌های اینجا تابلوی درست و حسابی نداره اگه کسی ناآشنا باشه بیاد اینجا تا ته خیابون می‌ره و سراز ناکجاآباد در میاره
	مرد	۲۷	به نظرم برای این که در اینجا اتفاقی نیوفته باید چند تا چراغ و نورافکن بذارن تا دیگه معتاها ننتونن اینجا جمع بشن. من خودم به- علت تاریکی یه بار همین جا زورگیری هم دیدم
	مرد	۳۹	به نظرم مشکل دیگه فضاهای محله اینه که مسیرها و کوچه‌ها خیلی تودرتو و بی‌نظمه. الان ما خودمون بعضی وقت‌ها که وارد محله می- شیم با وجود این که چند ساله اینجا کار می‌کنیم بعضی وقتا مسیر رو اشتباه می‌ریم

پژوهشنامه جغرافیای انتظامی (سال پنجم، شماره هجدهم، تابستان ۱۳۹۶)

مضمون	مصاحبه‌شونده	سن	نقل قول
فقدان دسترسی به خدمات شهری	مرد	۲۴	در این محله تا فواصل طولانی ما نه ایستگاه اتوبوسی می‌بینیم نه کیوسک کلانتری نه کیوسک نگهبانی که این موارد هر کدام در امنیت محله تأثیرگذار است. به نظرم اگه امکانات در یک‌جا زیاد باشه مردم هم زیاد رفت‌وآمد می‌کنند و جرم هم کم می‌شود
	زن	۳۱	در این جایی که ما هستیم امکانات حمل‌ونقل و ارتباطی اصلاً وجود ندارد. بنده همیشه برای اومدن به محل کارم با آژانس میام چون واقعاً اصلاً جرأت تنها اومدن به سر کار را ندارم
معماری و طراحی نامناسب فضای شهری	مرد	۴۳	به نظر من طراحی شهری باید به‌گونه‌ای باشد که مکان‌های پرت و خالی کم باشد. در همین کوچه پشتی ما به فضای خالی کوچک داره که اگه یه نفرم بکشی کسی نمیدونه. طراحی شهری باید به‌صورت راسته و میدانی باشه
تراکم پایین فعالیت در فضای شهری	مرد	۳۱	این خیابون خیلی خلوته و رفت‌وآمد توش کمه. ما هم چون تهیه غذایی هستیم همه مشتری‌هامون از محله اطرافه. چند بار زورگیری هم اتفاق افتاده اینجا
	زن	۲۳	متأسفانه در این محله همه با ماشین‌های شخصی خودشون رفت‌وآمد می‌کنند و کسی که پیاده باشه به‌خصوص در شب به‌علت خلوتی خیلی خطرناک می‌شه. گشت‌های نیرو انتظامیم خیلی کم اینجا میان
فقدان نظارت مداوم در فضای شهری	مرد	۳۲	فضاهای شهر کرمانشاه اغلب سوت‌و‌کور و مرده است و هر لحظه احتمال خطر وجود دارد. به نظر من برای جلوگیری از هر خطری باید در مکان‌های خلوت دوربین مداربسته استفاده بشه و توسط پلیس کنترل بشه
	مرد	۲۷	به نظر من نظارت اصلی رو خود مردم باید به عهده بگیرند یعنی هر جایی که جرمی دیدن یا آزار و اذیتی باید یا به پلیس خبر بدن یا در حد توان خودشون اقدام کنند

نتیجه‌گیری

در پژوهش حاضر، که به بررسی رابطه فضاهای بی‌دفاع شهری و جرایم شهری در شهر کرمانشاه پرداخته شده است، تأثیر مؤلفه متغیر مستقل بر متغیر وابسته سنجیده شده که در زیر توصیف مختصری از آن ذکر شده است.

- میزان خوانایی فضای شهری: برای سنجش متغیر امنیت فضای شهری ۴گویه استفاده شده است که در هر ۴گویه پاسخگویان با درصد بالایی بیان کرده‌اند که فضاهای شهری محل زندگی‌شان امنیت بالایی ندارد؛
 - تراکم فعالیت در فضا: برای سنجش تراکم فعالیت در فضا ۳گویه استفاده شده که در هر ۴گویه پاسخگویان بیان کرده‌اند تراکم فعالیت در فضا با جرایم و آسیب‌ها ارتباط زیادی ندارد؛
 - دسترسی به خدمات شهری: برای سنجش تراکم فعالیت در فضا ۴گویه استفاده شده که در هر ۴گویه پاسخگویان با درصد بالایی بیان کرده‌اند دسترسی راحت به اماکن شهری در کاهش جرایم شهری مؤثر است؛
 - معماری فضای شهری: برای سنجش تراکم فعالیت در فضا ۵گویه استفاده شده که در ۳گویه پاسخگویان با درصد بالایی بیان کرده‌اند نحوه معماری فضاهای شهر در میزان جرایم شهری مؤثر نیست اما در ۲گویه بیان کرده‌اند که در سطح متوسط مؤثر است.
 - نظارت مداوم فضای شهری: برای سنجش تراکم فعالیت در فضا ۳ گویه استفاده شده که در هر ۳گویه پاسخگویان با درصد بالایی بیان کرده‌اند نظارت مداوم بر فضاهای شهری در کاهش جرایم شهری مؤثر است.
- نتایج مرتبط با فرضیه‌های پژوهش نیز به شرح زیر است.
- فرضیه اول:** میزان خوانایی فضای شهری با وقوع جرایم شهری رابطه دارد. ضریب همبستگی برابر $0/332$ و سطح معناداری $0/016$ است. چون میزان سطح معناداری از $0/05$ کمتر است رابطه معنادار است به این معنی که وجود فضاهای ناامن در وقوع جرایم شهری در شهر تهران مؤثر است.
- فرضیه دوم:** فقدان دسترسی به خدمات شهری (وسایل نقلیه عمومی، بوستان، کتابخانه) با وقوع جرایم شهری رابطه دارد. ضریب همبستگی برابر $0/351$ است و سطح معناداری $0/000$ است. چون میزان سطح معناداری از $0/05$ کمتر است بنابراین، بین

پژوهشنامه جغرافیای انتظامی (سال پنجم، شماره هجدهم، تابستان ۱۳۹۶)

فقدان دسترسی به خدمات شهری و وقوع جرایم شهری رابطه وجود دارد و فرضیه تأیید می‌شود.

فرضیه سوم: طراحی و معماری فضای شهری نامناسب با وقوع جرایم شهری رابطه دارد. ضریب همبستگی برابر $0/400$ و سطح معناداری $0/408$ است. از آنجایی که میزان سطح معناداری از $0/05$ بیشتر است لذا، طراحی و معماری فضای شهری نامناسب با وقوع جرایم شهری رابطه ندارد و فرضیه تأیید نمی‌شود.

فرضیه چهارم: تراکم پایین فعالیت در فضای شهری با وقوع جرایم شهری رابطه دارد. ضریب همبستگی برابر $0/186$ و سطح معناداری $0/037$ است. از آنجایی که میزان سطح معناداری از $0/05$ کمتر است لذا، تراکم پایین فعالیت در فضای شهری با وقوع جرایم شهری رابطه دارد و فرضیه تأیید می‌شود.

فرضیه پنجم: فقدان نظارت مداوم در فضاهای شهری با وقوع جرایم شهری رابطه دارد. ضریب همبستگی برابر با $0/219$ است و سطح معناداری $0/004$ است. از آنجایی که میزان سطح معناداری از $0/05$ کمتر است لذا، فقدان نظارت مداوم در فضاهای شهری با وقوع جرایم شهری رابطه دارد.

در زمینه مصاحبه‌های پژوهش حاضر نتایج نشان می‌دهد مقوله خوانایی یک مقوله اساسی در مقابل بی‌دفاع شدن فضای شهری است به‌گونه‌ای که خوانایی یا میزان وضوح در فضای شهری سبب می‌شود به‌آسانی بتوان اجزای شهر را شناخت و آنها را در قالبی به‌هم پیوسته در ذهن به یکدیگر ارتباط داد. این درک از فضا به افراد کمک می‌کند تا خود را در فضای بازیافته و در آن احساس ایمنی کنند.

فقدان دسترسی به خدمات شهری مقوله مهم دیگری است که بیشتر به وجود یا وجود نداشتن امکانات و مبلمان شهری در فضای شهری اشاره دارد. با اصل دسترسی در فضای شهری می‌توان میزان دسترسی مجرمان به اماکنی از شهر که امکان وقوع جرم را دارند کاهش داد. همچنین، کنترل دسترسی به‌معنای کاهش فرصت برای ارتکاب جرم از طریق کنترل دسترسی سازمان‌دهی شده مانند نگهبانی، مکانیکی (تعریف فضای مناسب)، فیزیکی (حایل‌ها و حصارها) نیز فرض می‌شود.

در مقوله معماری فضای شهری، که مربوط به شاکله و کالبد فضا می‌باشد، فضای شهری باید به گونه‌ای باشد که هیچ شکاف و ویژگی‌های بارزی که قابلیت نمایانی شاکله را کاهش دهد به نحوی که یک مهاجم بتواند در آن جا مخفی شود، وجود نداشته باشد.

در زمینه مقوله تراکم پایین فعالیت در فضای شهری نیز نتایج نشان می‌دهد که در برخی از فضاها و در بعضی از روزها و ساعت‌ها فضا بیش از حد خلوت بوده و حتی خالی از جمعیت می‌شود به نحوی که فقدان نظارت بالفعل به فضا در آن زمان حس می‌شود که در چنین شرایطی امکان وقوع جرم به میزان زیادی تسهیل می‌شود.

مقوله فقدان نظارت مداوم در فضای شهری نیز بیان می‌کند که در فضای شهری نوعی توانمندسازی از طریق در معرض دید قرار گرفتن و نظارت انجام شود و امکان نظارت ساکنان و شهروندان یا سازمان‌های انتظامی و امنیتی بر فضای شهری بیشتر شود. نظارت باید به گونه‌ای باشد که مجرم سود و بهره‌ای را که از نتیجه مجرمانه خود انتظار دارد دست‌نیافتنی و غیرقابل صرفه ببیند.

پیشنهادها

- استفاده از راهبرد توسعه محلی: نقش و اهمیت محله‌ها در کاهش خشونت و بزهکاری در راهبرد توسعه محلی مورد تأکید قرار می‌گیرد. در واقع، از قابلیت‌های محلی برای پیشگیری و کاهش آسیب‌های اجتماعی استفاده می‌شود؛
- اصلاح و بهسازی مبلمان شهری: کنترل رفتار در فضا از طریق بهسازی مبلمان شهری معمولاً به دو طریق انجام می‌شود:
- القای رفتار: می‌توان با کمک فضا به افراد القا کرد که برخی از رفتارها را اتخاذ کرده و برخی دیگر را اتخاذ نکنند؛
- حذف رفتار: به کمک بهسازی فضا و از بین بردن شرایط و زمینه‌های وقوع رفتار آسیب‌زا می‌توان به کاهش آن کمک کرد؛

پژوهشنامه جغرافیای انتظامی (سال پنجم، شماره هجدهم، تابستان ۱۳۹۶)

- استفاده از راهبرد حیات شبانه: با ایجاد کاربری‌های فعال در شب و احداث کاربری‌های خانوادگی جذاب از پاتوق‌شدن و چیرگی بعضی از افراد، که قصد ایجاد آسیب و ناهنجاری را دارند، جلوگیری می‌شود؛
- حفظ تنوع کاربری‌ها و ایجاد کاربری‌های مختلط: حفظ تنوع کاربری‌ها و تبدیل و تغییر کاربری‌های غیرفعال مثل زمین‌های خالی و انباری‌ها به کاربری‌های فعال و پویاتر و انتقال کاربری‌های ساکن و مسکوت و احیای مجدد بافت‌های راکد و منفعل و نیز افزایش کاربری‌های فرهنگی و فراغتی در جهت تغییر جو اجتماعی حاکم بر محیط اهمیت فراوانی دارد؛
- ایجاد سازگاری بین شاکله، کارکرد و معنی فضاها: مهم‌ترین و اصلی‌ترین عامل شکل‌گیری فضاهای بدون دفاع شهری فقدان سازگاری بین شاکله، کارکرد و معنی است. باتوجه‌به این اصل که هر فعالیتی باید در عرصه‌ای که دارای ویژگی‌های کالبدی و فضایی مشخص و متناسب با آن فعالیت است انجام پذیرد، می‌توان به رابطه بین شاکله، کارکرد و معنی پی‌برد. این رابطه باید به‌گونه‌ای باشد که کالبد فیزیکی (شاکله‌ها)، توانایی جوابگویی به کارکرد و معنی را به صورت توأم دارا باشد.
- ایجاد امکان رؤیت بصری در فضاهای شهری: فضاهای گم، همان‌گونه که از نامشان برمی‌آید، فضاهایی هستند که بنا به دلایل کالبدی خارج از دید محسوب می‌شوند. امکان رؤیت بصری و روشنایی و آشکارشدن شاکله گام مهم به‌سوی توانمندسازی فضاهای بدون دفاع است.

منابع

- افروغ، عماد(۱۳۷۷)، فضا و نابرابری‌های اجتماعی، تهران: نشر مدرس.
- بحرینی، حسین(۱۳۸۶)، معنی و سازگاری در طراحی شهری، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- بیانلو، یوسف؛ منصوریان، محمدکریم(۱۳۸۵)، رابطه تراکم جمعیت با میزان و نوع جرم، فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی، سال ششم، شماره ۲۲.
- پارسی، حمیدرضا(۱۳۷۹)، فضای شهری، حیات مدنی و نیروهای اجتماعی- فرهنگی، رساله دکتری شهرسازی، دانشکده هنرهای زیبا، دانشگاه تهران.
- پورجعفر، محمدرضا و دیگران(۱۳۸۷)، ارتقای امنیت محیطی و کاهش جرایم شهری با تأکید بر رویکرد C.P.T.E.D، ج ۹، شماره ۵، تهران: انتشارات نشریه بین‌المللی مهندسی معماری و شهرسازی دانشگاه علم و صنعت ایران.
- پیران، پرویز(۱۳۸۵)، کار پایه مفهومی و مفهوم‌سازی سرمایه اجتماعی؛ با تأکید بر شرایط ایران، فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی، سال ششم، شماره ۲۳.
- پیران، پرویز(۱۳۶۸)، شهرنشینی شتابان و ناهمگون مسکن ناپهنجار، اطلاعات سیاسی- اقتصادی، شماره ۲۴.
- جواهری پور، مهرداد؛ داویناه، بابک(۱۳۸۱)، سکونتگاه‌های ناپایدار اقشار کم‌درآمد شهری؛ بازبینی سیاستگذاری‌های دوران اخیر در زمینه اسکان غیررسمی یا نابسامان، فصلنامه هفت‌شهر، شماره ۸.
- حسینی‌نژاد، سیدمرتضی(۱۳۸۴)، بررسی علل اقتصادی جرم در ایران با استفاده از یک مدل داده‌های تلفیقی: مورد سرقت، مجله برنامه و بودجه، شماره ۹۵، صص ۳۵-۸۲.
- رفیعیان، مجتبی(۱۳۸۲)، مطالعات توانمندسازی اقشار کم‌درآمد بندرعباس، مهندسین مشاور سبزاندیش پیش.
- شکوهی، حسین(۱۳۷۲)، جغرافیای اجتماعی شهرها، تهران، نشر مجد.
- عبدالهی، محمد(۱۳۸۵)، سرمایه اجتماعی و نظریه اجتماعی، وضعیت موجود، دورنمای آینده و امکان- شناسی گذار، فصلنامه علمی پژوهشی رفاه، سال ششم، شماره ۲۵، صص ۲۳۳.
- فیروزیان، مینا(۱۳۸۷)، راهکارهای ارتقای کیفیت خوانایی خیابان قیام یزد، پایان‌نامه کارشناسی شهرسازی دانشگاه یزد، دانشکده هنر و معماری.
- قاسمی روشن، ابراهیم(۱۳۷۹)، عوامل اجتماعی جرم، نشریه معرفت، شماره ۳۶، صص ۶۹-۷۶.

- پژوهشنامه جغرافیای انتظامی (سال پنجم، شماره هجدهم، تابستان ۱۳۹۶)
- قصری، محمد و دیگران (۱۳۸۹)، بررسی تأثیر نوع و میزان کاربری اراضی شهری در شکل‌گیری الگوهای فضایی بزهکاری، فصلنامه ژئوپلیتیک، سال هفتم، شماره ۳.
 - قلیچ، مرتضی؛ عماری، حسن (۱۳۹۲)، درآمدی بر فضای بی‌دفاع شهری، تهران: نشر تیسرا.
 - کریم‌الدینی، محمد (۱۳۹۱)، بوم‌شناسی، تهران: انتشارات فاطمی.
 - کلاتری، محسن؛ توکلی، مهدی (۱۳۸۶)، شناسایی و تحلیل کانون‌های جرم‌خیز شهری، فصلنامه مطالعات پیشگیری از جرم، نشریه پلیس پیشگیری نیروی انتظامی، سال اول و دوم.
 - لنگ، جان (۱۳۸۳)، آفرینش نظریه معماری، ترجمه علیرضا غنی‌فر، تهران: نشر دانشگاه تهران.
 - لینچ، کوین (۱۳۸۱)، سیمای شهر، ترجمه منوچهر مزینی، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
 - محمد نسل، غلامرضا (۱۳۸۸)، ماهیت پیشگیری پلیسی: کیفی، اجتماعی یا وضعی، نخستین همایش ملی پیشگیری از جرم.
 - مداح، مجید؛ خیرخواهان، ابراهیم (۱۳۸۹)، تجزیه و تحلیل اثر انگیزه‌های اقتصادی در ارتکاب جرم (مطالعه موردی: زندانیان شهر سمنان)، فصلنامه مطالعات امنیت اجتماعی، صص ۱۰۷-۱۳۰.
 - منصورآبادی، عباس (۱۳۸۲)، موضوع جرم در باب جرایم علیه اموال، فصلنامه اندیشه‌های حقوق. سال اول، شماره ۴، صص ۱۰۳-۱۳۲.
 - محسنی تبریزی، علیرضا و دیگران (۱۳۹۰)، فضاهای بی‌دفاع شهری و خشونت، علوم اجتماعی، جامعه‌شناسی کاربردی، شماره ۴۴.
 - نایبی، هوشنگ؛ صدیق سروستانی، رحمت‌الله؛ قهرمانی، سهراب (۱۳۹۰)، نقش فضاهای بی‌دفاع شهری در رفتارهای خشونت‌آمیز، دانش انتظامی، سال سیزدهم، شماره ۱.
 - نیومن، اسکار (۱۳۸۱)، نقش طراحی شهری در ایجاد فضاهای قابل دفاع، ترجمه نسیم ایرامنش، مجله شهرداری‌ها، سال چهارم، شماره ۴۴، صص ۱۸-۲۳.
 - وینتر، هولدر (۱۳۸۹)، اقتصاد جرم: مقدمه‌ای بر تحلیل منطقی جرم، ترجمه علی‌حسین صمدی، جواد آماره و محمدرضا حسن‌پور، انتشارات نور علم.
 - هاروی، دیوید (۱۳۷۶)، عدالت اجتماعی و شهر، ترجمه فرح حسامیان، محمدرضا حائری و بهروز منادی-زاده، تهران: شرکت پردازش و برنامه‌ریزی شهری.
 - Bennett, Trevor. (1986). Situational Crime Prevention From The Offender Perspective. In Heal & Laycoke.



پروپوزیشن گاہ علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی